خبر

پرسپولیس از صدر جدول دور شد

در یک بازیس کسل‌کننده، تیم فوتبال پرسپولیس در برابر استقلال خوزستان تن به تساوی داد تا از صدر جدول رده‌بندی لیگ برتر فاصله بیشتری بگیرد. این تساوی نه تنها برای سرخپوشان به منزله عقب افتادن از کورس قهرمانی بود، بلکه آینده تیم را هم در هاله‌ای از ابهام فرو برد. دیدار این ۲ تیم از هفته بیست‌وپنجم رقابت‌های لیگ برتر در ورزشگاه آزادی برگزار شد. در این دیدار که تنها هواداران زن اجازه حضور در ورزشگاه را داشتند، پرسپولیس نتواست از موقعیت‌های خود بهره برده و در نهایت بازی با تساوی بدون گل به پایان رسید.

■ پرسپولیس و دردسرهای بی‌پایان

پرسپولیس در این دیدار، تیمی سرشار از اشتباهات فنی و تاکتیکی بود. در حالی که تغییرات اجباری در ترکیب تیم به دلیل سرماخوردگی برخی بازیکنان انجام شده بود، به نظر می‌رسید که همگان جز گندوز، دروازه‌بان پرسپولیس، دچار سردرگمی شده‌اند. گندوز که در دقایق ابتدایی بازی با چند واکنش به موقع، از گل شدن موقعیت‌های استقلال خوزستان جلوگیری کرد، همچنان در سایر دقایق نیز مراقب دروازه خود بود اما در دقایق ۲۶ و ۳۸، اشتباهات فردی و ضعف در تمرکز، دروازه او را تهدید کرد. استقلال خوزستان بر خلاف انتظار، با شجاعت و ضدحملات سریع بازی را آغاز و در همان ابتدا فرصت‌های گلزنی فراوانی ایجاد کرد. تیم میزبان اما تنها در دقایق معدودی توانست فرصت‌های محدودی خلق کند که در نهایت احمد گوهری، دروازه‌بان استقلال خوزستان بخوبی از دروازه خود محافظت کرد.

■ نیمه دوم و بی‌برنامگی

نیمه دوم با تلاش‌های بی‌ثمر پرسپولیس آغاز شد. اگرچه بازیکنان این تیم سعی داشتند با بازی‌سازی و پاس‌های کوتاه به جریان بازی شتاب دهند اما آنچه در نهایت مشاهده شد، سردرگمی و بی‌برنامگی در حمله بود. در دقیقه ۵۴، موقعیت بسیار خوبی برای پرسپولیس ایجاد شد که ضربه علیپور به تیر دروازه استقلال خوزستان برخورد کرد و این اتفاق گواهی بود بر عدم تمرکز و درخشش ناکافی در خط حمله.

با این حال، بیفوما، مهاجم استقلال خوزستان همچنان تهدیدی جدی برای دفاع پرسپولیس بود. او که بخوبی از فضای جناح چپ استفاده می‌کرد، همواره مدافعان پرسپولیس را تحت فشار قرار می‌داد. در دقایق پایانی، پرسپولیس با وجود تسلط بیشتر بر بازی، نتواست از موقعیت‌های خود استفاده کند و به تساوی رضایت داد. این تساوی در حالی برای پرسپولیس رقم خورد که تراکتور، رقیب اصلی‌اش در مسیر قهرمانی بازی این هفته خود را با پیروزی پشت سر گذاشت تا فاصله ۲ تیم بیشتر و شاید دست‌نیافتنی شود.

یادداشت

مشکل بزرگ آرسنال در بازی بزرگ مقابل رئال

توپچی‌های بی‌دفاع

مهدی تقوی

معماهای فوتبال همیشه از جنس تاکتیک و استراتژی نیستند؛ گاهی دشوارترین پازل‌ها را مصدومیت‌ها پیش پای مربیان می‌گذارند. حالا میکل آرتتا در چنین موقعیتی گرفتار شده. وقتی تقویم به حساس‌ترین مقطع فصل رسیده و نام رئال مادرید مقابل چشمان آرسنالی‌ها نمایان شده، او باید با کابوسی دست و پنجه نرم کند که شاید از خود مادرید هم ترسناک‌تر باشد؛ آرسنال دفاع ندارد!

این داستان برای توپچی‌ها اصلاً جدید نیست. فصل جاری، مصدومیت‌ها رقیب اصلی آرسنال بوده‌اند. حالا هم گابریل ماگالاش، آخرین قربانی این مصیبت است. آسیب همسترینگ مدافع برزیلی، تیر خلاصی بود بر پیکر خسته خط دفاع آرتتا. او به لیست بلندبالایی اضافه شده که نام‌هایی چون تومیاسو، کالافیوری، بن وایت، گابریل ژسوس و کای هاورتز را هم شامل می‌شود. از آن بدتر اینکه یورین تیمبر هم در شرایطی نامشخص و نگران‌کننده به سر می‌برد.

با چنین شرایطی، آرتتا مانند سربازی است که مهماتش در نبرد سرنوشت‌ساز ته کشیده. او حالا باید تصمیم بگیرد: یا به استفاده از بازیکنان در پست‌های غیرتخصصی تن دهد یا قمار بزرگی را به جان بخرد و از بازیکنانی استفاده کند که در خطر تشدید مصدومیت هستند. میکل مرینو اخیراً مجبور شده در پستی به میدان برود که هرگز انتظارش را نداشت. در خط دفاع اما وضعیت پیچیده‌تر است. حضور ویلیام سالیبا ضروری است اما یافتن زوج مناسب او در قلب دفاع کار آسانی نیست. تنها گزینه واقعی کیوبور است؛ مدافعی که اگر چه شایسته احترام است اما هنوز از آزمون‌هایی چنین دشوار سربلند بیرون نیامده. در دفاع چپ، ۳ گزینه پیش روی آرتتاست: لوئیس اسکلی، زینچنکو یا کیه‌ران تیرنی. هر یک از این انتخاب‌ها ریسک خاص خودش را دارد. ولی بحران واقعی در سمت راست خط دفاع است. یورین تیمبر گزینه اول است ولی آرتتا خوب می‌داند بازی دادن به او مثل راه رفتن روی یخ نازک است. یک حرکت اشتباه می‌تواند برای آرسنال فاجعه‌بار باشد. شاید به همین دلیل باشد که نام توماس پارتی در ذهن آرتتا می‌چرخد؛ بازیکنی که پیش‌تر ۱۸ بار تحت هدایت او دفاع راست بوده اما در برابر غول مادریدی، بازی در این پست می‌تواند شبیه یک خودکشی تاکتیکی باشد. آرتتا حالا باید در عرض چند روز تصمیمی بگیرد که سرنوشت تیمش را در حساس‌ترین روزهای فصل رقم می‌زند. ابتدا اورتون در لیگ برتر و سپس رویارویی عظیم با رئال مادرید در مرحله یک‌چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا.

دست آرتتا خالی است و تقویم هم بی‌رحمانه می‌گذرد. کابوس‌ها از همیشه نزدیک‌تر هستند. حالا مرد اسپانیایی باید هنر مربیگری خود را در سخت‌ترین روزهای عمرش نشان دهد. آیا میکل راه‌حلی خواهد یافت یا باید شاهد پایانی تلخ برای رؤیاهای بزرگ آرسنال باشیم؟ این همان معمایی است که فوتبال برایش آماده کرده است؛ معمایی بی‌رحم و ترسناک.

برای نخستین بار تیم ملی فوتبال ایران در سید دوم جام جهانی قرار می‌گیرد؟

تصور رؤیای صعود

بهراد رشوند

برای ما جماعت عاشق فوتبال که همه زندگی‌مان با صدای گزارشگران و خاطره‌بازی در کوچه‌پس‌کوچه‌ها و دریبل زدن تیرهای چراغ برق گذشته است، مفهوم «سیدبندی» جام‌جهانی و شانس صعود به مراحل بعد چیزی فراتر از اعداد و ارقام خشک فیفا است؛ این مفهوم برای‌مان داستانی است از شور، اضطراب، رؤیاپردازی و امید.

حالا که کمتر از یک سال به قرعه‌کشی جام‌جهانی ۲۰۲۶ مانده، فیفا رنکینگ جدیدش را بیرون داده است. ایران در این فهرست هجدهم شده و جایگاهش را به عنوان تیم دوم آسیا محکم کرده است. برای نخستین بار است که می‌بینیم نام ایران در حوالی رتبه‌هایی می‌چرخد که پیش از این برای‌مان مثل قصه‌های پریان بود؛ پشت سر آمریکایی‌ها و مکزیکی‌ها، کمی آن‌طرف‌تر از اروپایی‌هایی چون دانمارک، سوییس و کمی بالاتر از رقبای آفریقایی مثل سنگال. اینجا، در این جایگاه هجدهمی، ما نه فقط یک عدد، بلکه یک رؤیای جمعی را می‌بینیم که نسل‌ها برایش جنگیده‌ایم.

اما بگذارید کمی به زبان ساده‌تر از سیدبندی صحبت کنیم. فیفا برای نظم بخشیدن به قرعه‌کشی جام جهانی، هر دوره تیم‌ها را بر اساس جایگاه‌شان در رنکینگ جهانی تقسیم‌بندی می‌کند. یک سید یک داریم که میزبان‌ها و غول‌ها در آن جای می‌گیرند؛ سید ۲، ۳ و ۴ هم داریم که با فاصله، تیم‌ها در آنها تقسیم می‌شوند. حالا که جام‌جهانی ۴۸ تیمی شده، شرایط هم فرق کرده است. قرار است ۱۲ گروه ۴ تیمی داشته باشیم و برای نخستین بار ۳ میزبان (آمریکا، کانادا و مکزیک) بدون توجه به جایگاه‌شان در سید یک می‌روند و ۹ تیم دیگر که در صدر رنکینگ هستند، همراه آنها خواهند بود. اینجاست که داستان برای ما جذاب‌تر و هیجان‌انگیزتر می‌شود. برای تیمی مثل ایران که همیشه سایه‌نشین سید سوم و چهارم بوده، قرار گرفتن در سید دوم چیزی شبیه پرواز در آسمان‌های روشن امید است. سال‌ها دلخوشی ما این بود که شاید قرعه‌ای بخورد که به مرگ زودرس منتهی نشود؛ حالا نه‌تنها از مرگ زودرس خبری نیست، بلکه حتی می‌توان به بخت صعود از گروه هم فکر کرد. دیگر «یک امتیاز هم غنیمت است» جای خود را به «چرا صعود نکنیم؟» داده است.

تصویرش را مجسم کنید: ایران در سید دوم و در گروهی همراه کانادا، اکوادور و شاید نیوزیلند. برای آنهایی که عمرشان پای فوتبال ایران رفته، این یعنی داشتن فرصتی کم‌نظیر برای گذر از مرحله گروهی اما سکه فوتبال ۲ رو دارد؛ ممکن است ورق طوری برگردد که سر از گروهی سخت با آرژانتین، مصر و لهستان دربیاوریم! اما حتی همین گروه «سخت» هم مثل گروه‌های مرگ پیشین نیست؛ انگار سایه‌ای از آرامش حتی در سخت‌ترین لحظات هم کنار ما راه خواهد رفت.

اما بیرون از معادلات خشک و سختگیرانه فیفا، این ماجرا وجه عاشقانه و شاعرانه‌ای هم دارد. برای ما که همه عمر فوتبال‌مان با زخم و درد و غم باخت‌ها گره خورده، همین که می‌بینیم تیم ملی ما می‌تواند در کنار نام‌های بزرگی چون آلمان، کرواسی و کلمبیا در سید دوم قرار بگیرد، یعنی دلخوشی بزرگی که کم از قهرمانی ندارد. یعنی همان روزهایی که توپ پلاستیکی زیر پای‌مان در کوچه‌ها می‌چرخید و خودمان را در قامت بزرگان فوتبال جهان تصور می‌کردیم! حالا این رؤیا به حقیقت نزدیک شده است.

این مدل احتمالی سیدبندی که منتشر شده - و البته هنوز هم احتمالی است - حال و روز ما عاشقان فوتبال را دگرگون کرده! از همین حالا شروع کرده‌ایم به نقشه کشیدن و خیال‌پردازی. حتی اگر در گروه سختی هم قرار بگیریم، ما ایرانی‌ها عادت کرده‌ایم همیشه در سختی‌ها اوج بگیریم. همیشه یک معجزه، یک جادوی کوچک در گوشه زمین برای‌مان پنهان شده است؛ گاهی آن جادو شوتی است از راه دور، گاهی یک ضربه سر از روی نقطه پنالتی و گاهی هم شاید یک خوش‌شانسی کوچک در قرعه‌کشی.

اما حقیقت این است که ما حالا بیش از همیشه آماده‌ایم؛ آماده برای شکستن طلسم‌هایی که هرگز گمان نمی‌کردیم بشکنند. شاگردان امیر قلعه‌نویی خوب می‌دانند حفظ این جایگاه در رنکینگ فیفا نه فقط یک عدد ساده، بلکه تضمینی برای آینده است؛ تضمینی برای قرار گرفتن در مسیری هموارتر به سوی تاریخ‌سازی در بزرگ‌ترین آوردگاه فوتبال جهان.

در یک سال باقیمانده تا جام جهانی، همه چشم‌ها به مردانی خواهد بود که با پیراهن سفید و نشان پرچم ایران به میدان می‌روند. چشم‌هایی که امید دارند و قلب‌هایی که ضربان‌شان تندتر از همیشه می‌زند. حالا ما عاشقان فوتبال می‌توانیم بنشینیم و روزهایی را تصور کنیم که تیم ملی ایران برای نخستین بار در تاریخ، با افتخار در سید ۲ جام‌جهانی قدم خواهد گذاشت و آن لحظه‌ای خواهد بود که شاید اشک شوق و لبخند و فریادهای شادی ما را به خاطرات دور دوران کودکی و فوتبال بازی کردن در کوچه‌های خاکی بازگرداند.

آری! ما حالا رؤیاپردازان خوش‌بینی هستیم که منتظریم ببینیم چرخ گردون فوتبال برای ما چگونه خواهد چرخید!

باخت در تبریز صبر هواداران استقلال را لبریز کرد

بوژوویچ دیگر که بود؟!

حامد جوادی

این استقلال نیست آقایان! این، یک بیماری لاعلاج است. بیماری‌ای که نسخه شفابخش ندارد و دارویش را در هیچ عطاری‌ای نمی‌توان یافت. تیمی که روزگاری آسمان آبی‌اش برای دل هوادارانش کافی بود، حالا با چشمانی پر از گرد و خاک، مدام به افق‌هایی دوردست خیره شده که هیچ‌کس نمی‌داند در آن چه می‌بینند.

داستان استقلال ۰۴-۱۴۰۳، قصه‌ای است پرغصه و پرآشوب. روایت سالی است که تغییر پشت تغییر آورد و در این چرخش‌های بی‌سرانجام، تیمی که روزگاری فاتح بود، حالا در ویرانه‌های خودش غلت می‌زند. وقتی خطیر رفت و سمیعی آمد، هواداران کمی نفس راحت کشیدند اما چه فایده؟ شهریاری رفت، تاجرنیا آمد؛ سمیعی رفت، جویباری آمد و تیم، همچنان در هزارتوی تصمیم‌های اشتباه گم شده.

در روزگاری که استقلال به نسخه‌ای برای نجات نیاز داشت، نسخه‌های اشتباه، یکی پس از دیگری، پیچیده شد. ابتدا موسیمانه بود که استقلال را به حال خود گذاشت و رفت؛ بعد پای ماتزاری به میان آمد و داستان کلافه‌کننده‌ای ساخت که دست آخر پس از ۲۰ روز علافی، به «نه» منتهی شد. سپس در عجیب‌ترین اتفاق و انتخاب ممکن، میودراگ بوژوویچ از استقلال خوزستان، آن هم در یک شب مهتابی، سر از نیمکت استقلال تهران درآورد؛ مردی که ساکش را بسته بود تا از فرودگاه به وطنش بازگردد.

هواداران حق دارند به فضای مجازی بریزند. حق دارند بپرسند متر و معیارتان برای این انتخاب چه بود؟ مگر می‌شود تیمی که سهراب بختیاری‌زاده را داشت و با او تا جمع ۸ تیم پایانی جام حذفی و مرحله حذفی لیگ نخبگان آسیا پیش رفت، اینطور دست به قمار بزند؟ سهراب رفته و حالا استقلال با بوژوویچ، به تیمی تبدیل شده که هر هفته رویای بردش، کابوس تلخ دیگری می‌شود.

حرف هواداران استقلال یک چیز بیشتر نیست: «جباری را به میدان بیاورید!» آنها معتقدند مجتبی جباری با آن سابقه درخشان و قلبی آبی، تنها مردی است که در این آشفته‌بازار می‌تواند دلبری کند و استقلال را به خودش بازگرداند. شاید «هشت شاکی»، همان مردی باشد که درد این روزهای استقلال را خوب می‌شناسد.

اما واقعیت تلخی در میان است: قرارداد بوژوویچ تا پایان فصل است و هر تصمیمی می‌تواند کیسه باشگاه را سوراخ‌تر کند. حالا مدیران استقلال در دوراهی‌ای ایستاده‌اند که یک سویش دل هواداران است و سوی دیگرش، جیب خالی باشگاه.

در این روزهای سخت، هواداران استقلال چشم‌انتظارند و کسی نمی‌داند آیا جباری، مسکن این روزهای دردناک استقلال خواهد شد یا باید همچنان تماشاگر غروب‌های غم‌انگیز تیم باشند.

اعتراضات وسیع در رختکن رئال علیه آنچلوتی

کودتا در مادرید

طناز مقدم

هیاهویی در سایه، طغیان در سکوت. رختکن رئال مادرید این روزها بدل شده به صحنه نمایشی غریب، نمایشی که هنرپیشگانش چهره‌هایی آشنا هستند اما آنها این بار نه در میدان نبرد مقابل حریفان، که در جدال با خویشتن به سر می‌برند. بازیکنانی که انگار به زمزمه‌های خشمگینانه‌ای دل سپرده‌اند؛ اعتراض‌های پنهان حالا به آشوبی آشکار تبدیل شده است.

گزارش اختصاصی رلوو از مادرید پرده از واقعیتی دردناک برداشته: بازیکنان سپیدپوش در خشم و حیرتی بی‌سابقه‌اند، شگفت‌زده از عملکردی که نمی‌توانند باورش کنند. آنها نمی‌پذیرند تیمی با ستارگان درجه یک، تیمی که قرار بوده سلطنت کند و تحسین‌ها را به سوی خود جلب کند، در میدان چنین سرگردان و گاهی بی‌هویت ظاهر شود. پیش از آن دیدار عجیب مقابل سوسیداد که دراماتیک و پرالتهاب با تساوی ۴-۴ و گل نجات‌بخش رودیگر پایان یافت، همه چیز به سکوتی محتاطانه ختم می‌شد. زمزمه‌هایی زیر لب، اخم‌هایی گذرا و شاید نارضایتی‌هایی که از نگاه‌های مبهم می‌شد خواند اما حالا دیگر پرده‌ای در میان نیست، بازیکنان آشکارا فریاد اعتراض سر داده‌اند؛ هر چند به احترام یا شاید مصلحت، نامی از کارلو آنچلوتی نمی‌برند. بله! از کارلتو حرفی نمی‌زنند اما همه نگاه‌ها او را هدف گرفته است. مرد ایتالیایی با آن ابروهای در هم کشیده، حالا باید نقش ناجی را هم بازی کند. او باید نه فقط به اندیشه‌های تاکتیکی‌اش، بلکه به روان‌شناسی رختکنش هم بیندیشد. رختکنی که در آستانه پیروزی در ۳ جبهه است ولی سایه یک فروپاشی عجیب را بالای سرش احساس می‌کند. شکست سنگین و تلخ مقابل بارسلونا در سوپرجام اسپانیا با نتیجه ۵ بر ۲ نقطه عطفی شد که شکاف‌های پنهان رختکن را بیش از پیش نمایان کرد. بازیکنان در این دیدار از چینش و ترکیب تیم ناراضی بودند و آنچلوتی را متهم به بی‌برنامگی و سردرگمی تاکتیکی کردند. شایعاتی از نارضایتی از نحوه مدیریت ستاره‌های کلیدی تیم و شیوه برخورد آنچلوتی نیز به گوش می‌رسد؛ نارضایتی‌هایی که انگار قرار نیست به این زودی‌ها فروکش کند.

در کانون این هیاهو، وینیسیوس ستاره برزیلی تیم قرار دارد که در روزهای اخیر به شدت مورد انتقاد برخی هم‌تیمی‌هایش قرار گرفته است. گفته می‌شود لوکا مودریچ، رهبر باتجربه و کهنه‌کار رختکن مادرید، از رفتار غیرحرفه‌ای وینیسیوس ابراز نارضایتی کرده و معتقد است بی‌توجهی او به مسؤولیت‌های دفاعی موجب فشار مضاعف بر تیم شده است. آنچلوتی اما در واکنشی مدبرانه تلاش کرده فضا را آرام کند و می‌گوید این مسائل طبیعی است و همیشه بوده اما واقعیت این است که او خوب می‌داند در باشگاهی چون مادرید، حاشیه‌ها همیشه از درون رختکن شروع می‌شود و می‌تواند خیلی سریع همه چیز را از هم بپاشد. کارلتو خوب می‌داند چنین لحظاتی چقدر خطرناک است. او خوب می‌داند تاریخ چقدر سریع می‌تواند از او بگذرد و چقدر بی‌رحمانه می‌تواند بزرگی را از ذهن هوادارانش پاک کند. شاید آنچلوتی اکنون باید مهم‌ترین هنرش را نمایش دهد: آرام کردن دریای توفانی رختکن مادرید. در روزهایی که این باشگاه همچنان در کورس قهرمانی در لالیگا، جام حذفی و لیگ قهرمانان قرار دارد، هر اشتباه می‌تواند به منزله پایان رؤیاها باشد. اکنون وظیفه او نه فقط بردن بازی‌ها که بردن دل‌ها نیز هست.

[اسپورت]
شنبه بزرگ

[مارکا]
بوم بوم امباپه

[موندودپورتیوو]
دوئل نوارهای پیروزی

[گاتزتا]
یک میلان دیگر خواهیم دید

[میرر اسپورت]
پایانِ کلاس جهانی